



در آن سو، ترکیه نیز که به لحاظ تاریخی همواره با ایران رقابت داشته و در طی بیست سال گذشته ایران موانعی بر سر راه نفوذ این کشور در سوریه و عراق ایجاد کرده، ممکن است فرصت را مناسب ببیند و برای گسترش حوزه نفوذش در سوریه دست به کار شود. اگر مجموعه این رخدادها واقع شوند، باید گفت که وضعیت ایران به یک عقب‌گرد در منطقه ختم خواهد شد و تلاش‌های دهه‌های اخیر ایران برای گسترش حوزه نفوذش تا شرق مدیترانه به خطر خواهد افتاد. به این نکته هم باید توجه داشت که بعد از رخدادهای اخیر، دیگر تنها این گروه‌های مسلح ایران نیستند که درگیر جنگ شده‌اند. بلکه ایران نیز در آستانه ورود به یک جنگ بزرگ قرار گرفته است. قبح رویارویی مستقیم‌بین ایران و اسرائیل در طول شش‌ماه گذشته، برای دومین بار شکسته شده است. هر چند فاصله ایران و اسرائیل آنقدر هست که شاهد یک رویارویی مستقیم و کلاسیک نباشیم اما اگر شدت این حملات بیشتر شود، احتمال سرایتش به دیگر نقاط منطقه و ورود آمریکا به درگیری نیز وجود دارد. اگر اقدامات اسرائیل علیه ایران گسترده باشد، درگیری ممکن است به خلیج‌فارس نیز کشیده شود و در این صورت احتمال ورود آمریکا به این درگیری وجود دارد. اگر چه شرایط همچنان سیال است، اما آنچه مسلم است این است که ایران پس از گذشت حدود چهار دهه به عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای، اکنون در وضعیت شکننده و حساسی قرار گرفته است.

ترجمه آرصادیقی



ایران همچنان در آن کشور ادامه داشته و شاید هیچ‌گاه مانند یک‌سال گذشته و در پی حملات اسرائیل به سوریه با هدف ترور فرماندهان سپاه پاسداران، ابعاد این حضور مستشاری مشخص نشده بود. اسرائیل پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نیز بارها به بهانه همین حضور مستشاری و فرود هواپیماهای ایرانی حامل کمک‌های تسلیحاتی و لجستیکی به سوریه و حزب‌الله، فرودگاه دمشق را هدف بمباران قرار داده بود. با آغاز تحولات پس از ۷ اکتبر و عملیات طوفان الاقصی، دولت سوریه نیز به صف حامیان این اقدام حماس پیوست و وزارت امور خارجه آن در بیانیه‌ای نوشت: «رزمندگان مقاومت شوکت دشمن صهیونیستی را در هم شکستند و در سایه عملیات طوفان الاقصی نشان دادند که مقاومت تنها راه آزادسازی سرزمین‌های اشغالی است». دولت سوریه نیز در پیامی اعلام کرد که نه‌تنها دست مقاومت ملی در شرق سوریه باز است بلکه مقاومت عراق هم اجازه فعالیت مبسوط‌البد علیه آمریکا را دارد و می‌تواند کاری کند که آمریکا تحت فشار قرار بگیرد و خارج شود و روزنامه الوطن چاپ سوریه، شماره روز دوم پس از طوفان الاقصی را به عکس شهروند فلسطینی اختصاص داد که پرچم سوریه را در کنار پرچم فلسطین در دست داشت.

سوریه همزمان با آغاز موج جدید حملات به لبنان که با عملیات تروریستی انفجار پیچ‌راه آغاز شد، در بیانیه‌ای آن را محکوم کرد و گفت: «تجاوز به لبنان بیانگر تمایل اسرائیل برای گسترش دامنه جنگ و عطش سیری‌ناپذیر برای خونریزی بیشتر است.» در بیانیه وزارت امور خارجه سوریه همچنین آمده است: «سوریه همبستگی قدرتمند خود را با ملت برادر، لبنان اعلام و بر قرار گرفتن در کنار حقش برای دفاع از خود تاکید می‌کند». وزارت امور خارجه سوریه پس از شهادت سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله نیز در بیانیه‌ای اینگونه واکنش نشان داد که «با شهادت سیدحسن نصرالله، تمامی مبارزاتی که برای آزادی سرزمین و حفظ حاکمیت و استقلال کشورشان می‌جنگند، یکی از نمادهای بزرگ مقاومت را از دست داده‌اند. نصرالله که همواره در حمایت از ملت فلسطین پیشتاز بود، به جمع شهدای مقاومت پیوست و نامش در کنار دیگر رهبران شهید مقاومت که دستاوردهای بزرگی در مسیر آزادی قدس به ثبت رسانده‌اند، جاودانه خواهد ماند». بشار اسد نیز در پیامی به خانواده دبیرکل حزب‌الله نوشت: «مقاومت با شهادت رهبرش نه‌تنها ضعیف نمی‌شود، بلکه راسخ و مستحکم در صمیم قلبها و قهلقا باقی می‌ماند... مقاومت ملی لبنان، قطعا راه مبارزه و حق را در برابر اشغالگران تکمیل خواهد کرد.»

پیوند میان دولت سوریه و حزب‌الله لبنان که از سال ۲۰۰۶ شکل گرفت و در سال ۲۰۱۱ و تحولات پس از آن به اوج خود رسید، این سوال را مطرح می‌کند که تضعیف این گروه مقاومت در لبنان که اکنون بخش قابل توجهی از کادر رهبری و عملیاتی خود را از دست داده است، چه تبعاتی برای دمشق خواهد داشت؟ بشار اسد که پس از آغاز ناآرامی‌های سال ۲۰۱۱، بخش قابل توجهی از نیروها و افسران ارتش خود را با پیوستن آن‌ها به صف مخالفین از دست داده بود، با حضور نیروهای کارآزموده حزب‌الله و سپاه قدس ایران و همچنین کمک‌های مالی و تسلیحاتی تهران توانست حکومتش را حفظ کند و به پشتوانه هیمنه ایجادشده از سوی همین حامیان نیز خیلی زود بار دیگر خود را در عرصه سیاسی بازیابی کرد و از سوی کشورها و رهبرانی که علناً خواستار برکناری او شده بودند مورد پذیرش قرار گرفت؛ تا جایی که رجب طیب اردوغان که در جریان ناآرامی‌های سوریه، تندترین مواضع را علیه این کشور و شخص رئیس‌جمهور آن اتخاذ کرده بود، پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری بارها تلاش

شد. اما اجرای این استراتژی ممکن است به بروز یک جنگ داخلی در لبنان نیز منجر شود. هر چند لبنان با جنگ داخلی چندان غریبه نیست.

➤ روند دومینویی

تضعیف حزب‌الله پیامدهای مهمی برای سوریه نیز خواهد داشت. از سال ۲۰۱۱، حزب‌الله و ایران نقش مهمی در حمایت از دولت بشار اسد داشته‌اند. با این حال در طول یک سال گذشته، اسد تلاش کرده فاصله خود را از درگیری‌های کنونی اسرائیل با ایران و حزب‌الله حفظ کرده و در عوض بر اصلاح‌روابطش با کشورهای عربی و ترکیه‌تمرکز کند. این احتمال وجود دارد که ادراکی در درون ساختار سوریه شکل گرفته باشد که می‌گوید سوریه بیش از اندازه به ایران و حزب‌الله وابسته شده و از سوی دیگر روسیه نیز به عنوان متحد کلیدی سوریه، در اوکراین با مشکلات جدی روبرو است. در صورت ایجاد این ادراک، بعید نیست که بشار اسد تلاش کند تا وضعیت در لبنان را با دقت مدیریت کند تا بی‌ثباتی در لبنان به سوریه سرایت نکند. هر چند از سوی دیگر و به موازات آن، اسد نیز از قیل تضعیف ایران و حزب‌الله آسیب خواهد دید. تضعیف ایران و حزب‌الله موجب خواهد شد تا گروه‌های شورشی مسلح در سوریه جسات بیشتری یافته و بار دیگر شمشیر درگیری‌های داخلی در سوریه پر‌الای س اسد قرار بگیرد.

اما در مقطع زمانی خاصی، فرماندهی ارتش اسرائیل تمرکز خود را به جبهه شمالی معطوف کرد و به حملات خود علیه حزب‌الله سرعت بخشید. در چندین ماه گذشته نیز البته ارتش اسرائیل حملات ترور متعددی را علیه فرماندهان نظامی حزب‌الله و سپاه پاسداران ایران اجرا کرد. اما اوج این حملات به حملات پیجری چند هفته گذشته و پس از آن ترور سیدحسن نصرلله، دبیرکل حزب‌الله لبنان برمی‌گردد. در کنار سیدحسن نصرلله چندین فرمانده ارشد این گروه که از دهه هشتاد میلادی در این گروه عضویت داشتند و سنگ‌بنای توان نظامی این گروه بودند، ترور شدند. بلافاصله پس از این حملات، اسرائیل حمله زمینی خود را به جنوب لبنان آغاز کرد. اسرائیل در ابتدا اعلام کرد قصد دارد حزب‌الله را از مرز دور کند. با این حال، این احتمال وجود دارد که در صورت موفقیت اولیه، اسرائیل اهداف جنگی خود در جنوب لبنان را گسترش دهد. به نظر می‌رسد که اسرائیل اکنون می‌خواهد شکست‌های نظامی حزب‌الله را به ضعف سیاسی تبدیل کند و فرصتی برای مخالفان حزب‌الله در داخل لبنان ایجاد کند تا علیه این گروه دست به اقدام بزنند و قدرت سیاسی این گروه در عرصه سیاسی لبنان را محدود کنند. اگر اسرائیل موفق به اجرای این استراتژی شود، بدون شک آسیب‌های شدیدی متوجه ایران خواهد



در پاسخ به این سوال که «آیا این درست است که بشار اسد آماده گشودن جبهه‌ای دیگر با اسرائیل بود؟» گفت: «احتمال کشیده شدن دامنه جنگ به سوریه وارد بود. زیرا اسرائیل، سوریه را به دلیل دادن بخشی از سلاح‌های مورد نیاز که در روند جنگ تاثیرگذار بود، از عوامل پایداری مقاومت می‌دانست. زمانی که از عملیات نظامی زمینی به سوی حاصبیا، راشییا و بقاع غربی و مرکزی سخن به میان آمد، بشار اسد پیامی برای من فرستاد و خواستار نظرم درباره بررسی صورت‌گرفته در دمشق در خصوص احتمال شروع یک عملیات گسترده زمینی شد. سوریه در صورت شروع این عملیات زمینی خود را ملزم می‌دید که باید در کنار مقاومت بایستد، نمی‌گویم که این تصمیم گرفته شد، اما نزد بشار اسد و گروه تصمیم‌گیر در دمشق مطرح بود. بعد از رایزنی با برادران در پاسخ گفتم که منطبق نیستید و شرایط خیلی هم خطرناک نیست و ما قدرت و امکانات مقابله زمینی بسیار عالی داریم و حتی تاکید کردم که آرزو داریم اسرائیل وارد نبرد زمینی شود تا پاسخی بدهیم که همه جوانب میدان نبرد برای آنها روشن شود.»

دشمنی دمشق با تل‌آویو سابقه تاریخی دارد؛ دولت سوریه در دو جنگ اعراب و اسرائیل یعنی جنگ‌های ۶ روزه و بیوم کیپور در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ علیه رژیم صهیونیستی جنگیده است. حافظ اسد، زمانی به حکومت رسید که ۳ سال از جنگ ۶ روزه می‌گذشت که طی آن بخش‌هایی از خاک این کشور یعنی بلندی‌های جولان به اشغال ارتش اشغالگر درآمد. ۳ سال پس از به قدرت رسیدن حافظ اسد، انورسادات، رئیس‌جمهور مصر ایده یک جنگ آزادی‌بخش را با همتای سوری خود مطرح کرد تا هر دو کشور بتوانند اراضی تحت اشغال خود را از اسرائیل پس بگیرند چراکه قاهره نیز صحرای سینا را در جریان جنگ ۶ روزه از دست داده بود. سادات اما به مفاد عملیات پایبند نماند و موجب شد سوریه که توانسته بود در ابتدا جولان را بگیرد، بار دیگر آن را با توجه به ترک جنگ از سوی مصر از دست بدهد. در جریان این جنگ، جنگنده‌های اسرائیلی پالایشگاه حمه که تنها پالایشگاه سوریه به شمار می‌رفت، ۳ نیروگاه برق، بنادر طرطوس و بانباس و قسمت اعظم بندر لاذقیه، بیشتر پل‌های در دست احداث خط آهن لاذقیه به سد فرات و همه مخازن بنزین منطقه دمشق را با بمب نابود کردند.

در سال‌های پس از ۲۰۰۶ نیز، سوریه بیش از گذشته به عنوان پل استراتژیک حزب‌الله، انصارالله و حشدالشعبی با یکدیگر و با جمهوری اسلامی ایران عمل کرد. همین امر نیز موجب شد تا بسیاری از کشورهای منطقه از جمله عربستان و اسرائیل و فرای آن، دمشق را ردپای نفوذ تهران در منطقه قلمداد کرده و پس از آنکه سوریه نیز به صف کشورهای متأثر از بهار عربی در سال ۲۰۱۱ پیوست، تمام توان خود را نخست برای سرنگونی و ترور شخص بشار اسد و پس از آن ساقط کردن نظام سوریه بسیج کنند. این بسیج حامیان نیروهای مخالف دمشق نیز موجب شکل‌گیری اراده دخالت جبهه متحد مقاومت، این بار در حمایت از سوریه شد. نیروهای حزب‌الله درحالی‌که به شدت در داخل لبنان تحت فشار مخالفین خود برای عدم دخالت در جنگ سوریه قرار داشتند، بهترین نیروهای خود را اعازم کشور همسایه کردند و در کنار بشار اسد قرار گرفتند. در جریان این حضور نظامی، حزب‌الله تعدادی از بهترین نیروهای خود از جمله مصطفی بدرالدین، جانشین عماد مغنیه که خود در سال ۲۰۰۸ در دمشق به شهادت رسیده بود را از دست داد اما در نهایت این تهران و محور مقاومت بودند که خواست خود را به کرسی نشاند و متحدشان را نجات دادند. با پایان درگیری‌ها در سوریه، هر چند نیروهای لبنانی از آن خارج شدند اما حضور مستشاری

دیپلمات‌ها



از نفوذ خود برای توقف جنایات اسرائیل استفاده کنید

اسماعیل بقای‌ی هامانه، روز چهارشنبه ادعاهای یک مقام امنیتی انگلیس علیه جمهوری اسلامی ایران را کاملاً مردود دانست و تکرار این ادعاها طی دو سال اخیر که بدون کوچکترین سندومدرکی مطرح می‌شود را تقبیح کرد. وی با یادآوری استفاده مکرر مقامات انگلیس از واژه «بالقوه» در توصیف اتهام‌های ساختگی علیه ایران، اقدام نهاد‌های امنیتی این کشور در اتهام‌زنی به جمهوری اسلامی ایران را در راستای سیاست «دشمن‌سازی» مصنوعی و تحریف افکار عمومی از نقش دولت انگلیس در استمرار نسل‌کشی فلسطینیان و جنگ‌افروزی رژیم صهیونیستی در منطقه دانست. سخنگوی دستگاه دیپلماسی به مقام‌های لندن توصیه کرد به جای طرح اتهام‌های بی‌اساس و مباحث گمراه‌کننده از نفوذ خود برای توقف تجاوز و جنایات رژیم اشغالگر استفاده کنند. بقای‌ی هامانه همچنین با اشاره به میزبانی لندن از برخی گروه‌ها و تشکیلات تروریستی که با سوءاستفاده از مفهوم آزادی بیان به صورت نظام‌مند به ترویج خشونت و تروریسم و نفرت‌پرانی می‌پردازند، تکالیف حقوقی بین‌المللی همه دولت‌ها برای مقابله با تروریسم و تحریک به خشونت را یادآور شد. وی همچنین خواستار تجدیدنظر انگلیس در سیاست‌های غیرسازنده در قبال ملت ایران و منطقه غرب آسیا شد.



ادعای ضدایرانی رئیس MI5

کن مک کالوم، رئیس اداره امنیت داخلی بریتانیا (MI۵) ادعاهای ضدایرانی جدیدی را مطرح کرده و مدعی شده‌است که ایران در حال برنامه‌ریزی برای عملیات تروریستی در بریتانیا است. به گزارش یورونیوز، وی در گزارش سالانه خود از افزایش چشمگیر تلاش‌های جمهوری اسلامی، روسیه و داعش برای انجام حملات تروریستی در این کشور سخن گفت و هشدار داد که بریتانیا برای مبارزه با این تلاش‌ها کاری جهنمی در پیش دارد. روزنامه گاردین به نقل از او نوشت «تهدیدهای داعش بازگشته است، درحالی‌که ایران و روسیه نیز در تلاش برای انجام توطئه‌های ترور و خرابکاری در بریتانیا هستند.» رئیس‌ام‌آی‌۵ با اشاره به تأثیرات جنگ اسرائیل با گروه‌های نیابتی ایران در منطقه، از جمله جنگ با حماس در غزه و حزب‌الله لبنان گفت که «امواج ناشی از درگیری در آن منطقه لزوماً به طور مستقیم به سواحل ما نمی‌رسد»، اما می‌تواند به «افزایش تهدیدهای تروریستی» در بریتانیا منجر شود. مک کالوم تاکید کرد که جمهوری اسلامی در دو سال گذشته «پشت توطئه پس از توطئه» در بریتانیا بوده است. به گفته او «پنج توطئه جدید تحت حمایت ایران» توسط ام‌آی‌۵ و پلیس بریتانیا در سال جاری کشف شده که مجموع آنها از ژانویه ۲۰۲۲ به ۲۰ مورد رسیده است. به گفته رئیس‌ام‌آی‌۵ جمهوری اسلامی به‌طور گسترده از جنایتکاران علیه مخالفان خود و افرادی که تهدیدی برای رژیم تهران تلقی می‌شوند، استفاده می‌کند. او همچنین هشدار داد در صورتی که تهران احساس کند که بریتانیا با حمایت از اسرائیل به یکی از طرف‌های درگیری در خاورمیانه تبدیل شده است تهدیدهایش را در بریتانیا گسترده‌تر می‌کند. او درباره روسیه نیز گفت آژانس اطلاعات نظامی روسیه GRU در «ماموریتی مستمر برای ایجاد آشفتگی در بریتانیا و اروپا» فعال است و خاطرنشان کرد که روسیه «برای انجام حملات مخرب خود به شبکه‌هایی از جنایتکاران اتسکاء دارد.» بنا بر تحقیقات اداره امنیت داخلی بریتانیا تعداد اقدامات خرابکارانه برخی کشورها از جمله چین، روسیه و ایران در سال گذشته ۴۸ درصد افزایش یافته است.